

سایه های روشن زندگی

تقدیم به خواهر بزرگوارم خانم به پور جهانگیر که بهترین خواهر
دنیاست و من مدیون محبت و مهربانی هایش هستم.
به فرزندان دلبندم مهرداد، مهناز و اعجاز عزیزم
به نودی بسیار عزیزم سپهر
همچنین به تمام دانش آموزان و همکاران محترم مملکت ایران سرافراز

رفعت پور جهانگیر

سایه های روشن زندگی ۲

سرشناسه	پور جهانگیر / رفعت
عنوان و نام پدیدآور	سایه های روشن زندگی / نویسنده : رفعت
پورجهانگیر	
مشخصات نشر	تهران : آوای برتر، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری	ص ۹۶
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۶۳۲-۲۵-۴
وضعیت فهرست نویسی : فیبا	
موضوع	خاطرات ، داستان های اجتماعی
رده بندی کنگره	۸۳۳۶ : ۱۳۹۲ س ۲ / و ۸۳۳۶
رده بندی دیویی	۸۳۳ / ۶۲
شماره کتابشناسی ملی	۳۲۱ ۱۳۰۷

شارات آوای برتر

سایه های روشن زندگی

نویسنده : رفعت پورجهانگیر

نوشته روی جلد با خط رفعت پورجهانگیر

ناظر چاپ : سودابه غریب

چاپ اول ۱۳۹۲

شمارگان : ۱۰۰۰

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۳۲-۲۵-۴

تلفن نشر : ۰۹۱۲۳۷۸۳۳۷۲ - ۲۲۰۶۷۱۲۰

پست الکترونیکی www.Avaybartar@gmail.com

قیمت : ۳۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

۵.....	پیشگفتار
۹.....	فصل اول
۲۰.....	فصل دوم
۳۶.....	فصل سوم
۵۴.....	فصل چهارم

پیشگفتار

به نام او که به وسیله قلم دانش آموخت

هرگاه به هر مناسب، فرصتی دست می دهد انسان به یاد خاطرات گذشته خود می افتد و به آن دل خوش می دارد و با آن متأثر می گردد. خاطرات تنخ و تسیرینی که گذشته های انسان را ساخته و این را به هم پیوند داده اند مانند خاطرات دوران کودکی: بازی ها و دویدن ها، جست و خیز، زدن خوردن ها و دست و پا شکستن ها و...

خاطرات دوران نوجوانی: آشنایی با همکلاسان، شوخی ها و بازیگوشی های قهر و آشتی ها، ریزش و روتنبیه های معلمان و...

خاطرات زمان نوجوانی و جوانی: عشق ها و هوس ها، اشک ها و لبخندها، گشت و گذارها و بی حالها و رزقها و آرزوها و خلاصه بسیاری و بسیاری خاطرات خوب و بد دیگر در جای بحث در این وجیزه نیست.

اما در این میان خاطرات دوران مدرسه شاید از همه جذاب تر و به یاد ماندنی تر باشد؛ البته ناگفته نماند که این نوع خاطرات از دو زاویه جداگانه قابل توجه است: یکی از منظر دانش آموزان که همواره بلااستثناء در آن نقش داریم و دیگری از نگاه ریزبین، دقیق و تحلیل گر معلمان که گاه در طول سالیان متمادی خدمت خود با دانش آموزان مخدوم و ابله های نقش در ساختار خاطرات تک تک آن شرکت داشته اند و ایضا...

خاطره انگیزترین دوران زندگی را در آن روزگار پشت سر نهاده اند. در این رهگذر هر معلم به سهم خود در نگرش و ایجاد خاطرات گوناگون دانش آموزان چنانکه اشاره شد نقش های بسیار مؤثری ایفاء می کند؛ خاطرات دانش آموزان زرنگی که شاید با کمترین امکانات و عدم حمایت -

های خانواده خود توانسته بودند بهترین و موفق ترین شاگردان مدرسه باشند خاطرات دانش آموزان تنبلی که به هر دلیل در درس و تکلیف خود نتوانستند موفقیتی کسب کنند. خاطرات شکرین و زهرآگین دانش آموزانی که به اشکال مختلف در خانواده، اجتماع و بین همکلاسان خود خوب یا بد مطرح شده اند و خاطراتی که در ذهن و ضمیر معلمانی که عاشقانه و صمیمانه به کار خود مهر می ورزند، هر لحظه و هر روز جای تازه ای باز کرده و بی پایان خاطرشان برای همیشه حک می شود.

بحث در این داستان دامنۀ بسیار گسترده و فراخی را می طلبد که به قول مولانا داستان «موی هفتاد من کاغذ شود» را به ذهن متبادر می کند و هر چه بخواهیم در این زبان جولان دهیم نمی توانیم زبان گویای آن معلمی باشیم که خرد و ذکاوت و ظرافت خاصی که دارد آنها را بیان نموده و به صورت قصه های شیرین و دلنواز در گوشمان زمزمه می کند . آری یکی از این معلمان با ذوق و ذکاوت و قریحه، پرسابقه و اندیشه ور که خاطرات ماندگار سال های تحصیل و تدریس خود را در آینۀ تمام نمای ذهن پویا و زبان گویای خود توانست عبث و تیر نماید، خانم رفعت پورجهانگیر است.

اینجانب سال هاست توفیق آشنایی و همدلی و مصاحبت با ایشان را دارم؛ لذا پس از این که پیش نویس خاطرات خود را با زبان فنی و لحن شیرین و شیوای کردی خود برایم خواندند، بر آن شدم تا به حسابرسی بی قید و حقوق صحبت و دژینی که از طریق معاشرت های مکرر خانوادگی پیش بر من است، دیباچه ای هر چند ناچیز با قلم شکسته و نارسای خود بر آن به نگارم تا «که قبول افتد و که در نظر آید».

عباس اسلامی شرار